



اهمیت زیادی برای خانواده شهدا و مادران شان قائل بود. یک دفترچه تلفن داشت که در آن تقریباً شماره تلفن ۱۵ خانواده شهید ثبت شده بود. بعضی روزها با چند نفرشان تماس می گرفت. وصحبت می کرد. بعضاً حتی این تماس های تلفنی از سوریه انجام می گرفت و جویای احوال آنها می شد.

ویژگی نامه سالگرد شهدات سلیمانی

سپهر

== مقصد دوم: ژوئن ۲۰۱۷ سوریه. تئف

تئف گره داغ و خشک سه کشور سوریه، عراق و اردن است؛ اما امروز بوی هیچ کدام از اینها را نمی دهد؛ بلکه بوی زیره کرمان و شیرپیره را می بیند است که در صحرا پیچیده؛ بلکه درست دیدید سردار است که همراه یاران فاطمی خودش روی شن های داغ به نماز ایستاده اند؛ آمده اند معبر را برای وصل شدن راه زمینی محور مقاومت باز کنند. نیروهای مقاومت نیز در سه راهی کبدی مستقر شدند تا آخرین اقدامات را برای بازکردن معبر انجام دهند. ولی همه چیز به همین سادگی تمام نمی شود. اگر ته پیاز را ایران بدانیم و سر پیاز را عراق و سوریه، عضو مجهولی از پیاز که از سال قبل در این صحرا لانه کرده، با یک مک دونالد در دستش چوبی برداشته و هی لای چرخ گروه های مستقر در این منطقه می کند، سر آخر هم که می پرسیم خبر دردت چیست؟ کرملین پیغام می آورد که: می گوید تا مدار ۵۵ درجه اطراف لانه ام ارث پدرم هست و کسی نباید واردش شود، سردار هم که دستش بند جانورانی دیگر بود، رسیدگی به حساب این لات کوچه خلوت را موکول می کند به زمانی دیگر. ولی این به معنای ناامیدی زائران قبه الصخره، برای زیارت این مکان نبود، چون که همیشه یک راهی هست.

== مقصد پایانی: نوامبر ۲۰۱۷ قائم - ابوکمال

بعد از موکول شدن حسابرسی آن لات کوچه خلوت به بعد، استاندار شهر الانبار عراق بعد از آزادسازی موصل خبر تازه ای داد که حاکی از برنامه جدید ایران برای اتصال زمینی محور مقاومت بود؛ صهیب الراوی گفت: «سه منطقه القائم، راه و عانه واقع در غرب الانبار هنوز در کنترل گروه داعش هستند. نیروهای تحت کنترل این استان همراه با نیروهای مشترک عراقی در آغاز عملیات بازپس گیری مناطق باقی مانده در دست داعش عمل خواهند کرد.» عملیات ارتش عراق و گروه های

== سر پیاز یاته پیاز، مسأله این است؟

ولی باید گفت نقش این گیاه فراتر از ایفای نقش در زیست بوم سفره خانه مادری است؛ بلکه آنقدری مهم است که در جهان همواره سر تعیین سرو ته آن مجادله است. نه! این گونه نمی شود باید برای درک اهمیت آن سفر کنیم، سفری در زمان و مکان.

== مقصد اول: ژوئن ۲۰۱۷ روسیه. مسکو

هوا رو به اعتدال است و کمی از آن سرمای استخوان شکن کاسته شده؛ مردم مثل هر روز سرکار می روند، دانش آموزان در فکر امتحانات پایان ترم هستند و تراکم شهر کمی به علت ورود گردشگران بالا رفته است. ولی امروز مسکو مثل هر روز نیست، انگار همه منتظرند ببینند روزنامه دولتی ایزوستیا در مطبعه خود، از چه چیزی ورق به ورق کپی می گیرد؛ ولی نه، اینجوری که معلوم است آن انتظار همگانی وهمی بیش نیست و همه در پی زندگی خود جاری اند. اما چندصد کیلومتر این ور تر از خزر در قلب پایتخت ایران، عده ای چشم شان به مطبعه روزنامه ایزوستیاست. بالاخره اوراق جریده امروز هم به کف خیابان آمد؛ مثل هر روز با توجه به دستورالعمل های کرملین به وقایع ریز و درشت روسیه و جهان پرداخته بود و سعی در القای بازنگری خود از آن واقعه به مخاطب داشت. ولی یک خبر در میان آنها طعم روزمرگی ها را نمی داد بلکه با طعمی داغ و خشک نویدبخش فتحی جدید بود. خبر این بود: «قرار است کامیون های ترانزیت ایرانی در تهران استارت بزنند، بغداد را پشت سر بگذارند و از صحرای تئف به دمشق برسند.» این دستپخت ایزوستیا علاوه بر طعم خودش که می گفت راه حمایت زمینی از محور مقاومت باز شده، دو چیز دیگر را نیز مشخص می کرد: اول، بازگشایی راه زمینی کاروان های زیارتی برای زیارت قبه الصخره و دوم، مقصد بعدی سفر ما.